

یادداشت ها

دکتر ملک مهدی میرفندرسکی

گروه آموزشی زبانهای خارجی - رشته زبان فرانسه

خوشبختی واهی اثر گابریل روآ

قبل از اینکه راجع به «خوشبختی واهی»، رومان خانم گابریل روآ صحبت کنیم لازم است چند کلمه‌ای در باره شرح حال او گفته شود.

گابریل روآ در شهر سن بونیفس^۲ (مانی توپا^۳) پایتخت فرانسه زبان ناحیه غرب کانادا چشم به جهان گشود (۱۹۰۹). پدرش مأمور اداره مهاجرت در مغرب کانادا بود. بعد از اتمام تحصیلات در دانشسرای مقدماتی شهر وینی‌یک^۴ در حدود هشت سال به شغل آموزگاری اشتغال داشته و در گروه‌های تئاتری فعالیت میکرده است وی تحصیلات خود را به دوزبان فرانسه و انگلیسی نموده و این باعث شده است که بتواند تمدن فرانسه و انگلیس را باهم مقایسه کند.

در سال ۱۹۳۷ خانم روآ مدتی در انگلستان بسر برده و بفرآ گرفتن هنر تئاتر سی‌پردازد و سپس به کشور فرانسه مسافرت نموده و از آنجا اولین گزارشهای خود را برای روزنامه‌های کانادا ارسال میدارد. در سال ۱۹۳۹ به کشور خود مراجعت نموده و در شهر مونرال اسکنی گزیده از نوشته‌های خود اسرار معاش مینماید.

اقامت وی در مونرال برای او موقعیت خوبی است که از نزدیک بازندگی و آداب و رسوم این شهر بزرگ آشنا شود تا الهام بخش او در بوجود آوردن رومان

«خوشبختی واهی» باشد. در سال ۱۹۴۰ این کتاب باعث شهرت وی در کانادا و خارج از کشور میشود که در سال ۱۹۴۷ جایزه ادبی فمینا^۲ را دریافت میکند .
در سال ۱۹۴۷ با دکتر مارسل کاربوت^۳ ازدواج کرده و آرآن بیعد در شهر کبک^۴ زندگی مینماید و در همان سال بعضویت مجمع سلطنتی درمیآید.
از آثار او بغیر از خوشبختی واهی میتوان الکساندرشور^۵ (۱۹۵۴) و خیابان دشامبو^۶ (۱۹۵۵) را نام برد . ضمناً مقالات بسیاری بقلم وی در مجلات فرانسه و کانادا منتشر شده است بدون تردید گابریل روآ با انتشار رومان «خوشبختی واهی» تحول عمیقی در رومان نویسی و ادبیات فرانسه زبان کانادا بوجود آورده است . او ورژه لملن^۱ دو نویسنده ای هستند که رومان فرانسه زبان کانادا را در مسیر نوینی قرارداد ه اند که بطور قطع با تحول اجتماعی و اقتصادی منطقه کبک همبستگی تام دارد .

گابریل روآ در اولین اثر بزرگ خود «خوشبختی واهی» بشرح حال یک خانواده فقیر کارگر که در محله فقیرنشین مونرآل بنام سن هانری^۲ زندگی می کنند می پردازد . بانوشتن این اثر خانم روآ رومان فرانسه زبان کانادا را از چهارچوب زندگی روستائی که در آن سرزمین نقش اساسی را داشت خارج ساخته و در چهارچوب زندگی صنعتی یک شهر بزرگ امروزی قرارداد ه است .

در رومان های قرن نوزدهم در ادبیات کبک چهار موضوع اساسی بچشم میخورد: زمین ، خانواده ، مذهب و طبیعت . نویسندگان قرن نوزدهم وحتى اوایل قرن بیستم الهام خود را از خانواده گرفته که در روستا زندگی میکنند و به زمین و مذهب خود عشق عمیق میورزند ولی تحولات عظیم اقتصادی و اجتماعی که در قرن بیستم در منطقه کبک بوجود آمده است مردم این سامان را با مسایل نوین و بفرنج دنیای امروزی روبرو میسازد و رومان هم تحت تأثیر این تحولات عظیم شهری قرار گرفته نویسنده موضوعات جدیدی را در رومان خود مطرح میسازد و بدین نحو زندگی شهری و مشکلات آن جایگزین زندگی و فعالیت در روستا میگردد .

اولین اثر باارزشی که در این زمینه به رشته تحریر درآمده است «خوشبختی واهی» اثر گابریل روآ میباشد و این خود اهمیت این رومان را در ادبیات کبک به اثبات میرساند .

موضوع داستان تا حدودی ساده است و نویسنده پایه اساسی داستان را روی انتریگ^۱ مهم بنا ننموده بلکه بیشتر تجزیه و تحلیل روانی دو قهرمان اصلی مورد نظر بوده بوده است (رزآنا و فلورانتین)^۲ این دو قهرمان اصلی مادر و دختری هستند که عضو خانواده ده نفری میباشد . رزآنا زندگی را همانطور که هست قبول نموده و با فقر و نداری میسازد و با تلاش بسیاری چرخهای زندگی را میگرداند ولی فلورانتین که دختر ارشد خانواده بوده و برای کمک به خانواده خود در رستوران کار میکند ، بهیچوجه عقاید مادر خود را قبول نداشته و بهر نحو شده میخواهد از چنگال فقر و بیچارگی فرار کند و سرنوشت خود را بدست گیرد . در نتیجه بین مادر و دختر تفاهمی وجود ندارد . و این تضاد فکری بوجود آورنده دو قطب مخالف بوده که اکثر وقایع رومان بدان مربوط میشود . این دو قطب یکی قطب سازش مربوط به زندگی رزآناست که شامل روابط او با شوهرش آزاریوس^۱ ، ورود آزاریوس و پسرش اوژن^۲ به ارتش میباشد . دیگری قطب اعتراض و مخالفت با شرایط زندگی فقیرانه از جانب فلورانتین است که شامل وقایع زیر میباشد : عشق فلورانتین به ژان لوك^۳ ، رفتن او از منزل و اقامت در منزل دوست خود ، بالاخره ازدواج او با امانوئل^۱ در حالیکه از ژان لوك باردار است .

در این داستان مانند اکثر آثار بزرگ شخصیت‌های متعددی وجود دارد ولی بطور قطع شخصیت بارز رزآنا قهرمانان دیگر داستان را تحت الشعاع قرار داده و با آفرینش این قهرمان گابریل روآ موفق شده است که قهرمان فنا ناپذیری نه تنها در ادبیات کبک بلکه در ادبیات جهان خلق کند که هم پایه قهرمانی چون مادام بوواری^۲ باشد . گابریل روآ تحسین عمیق خود را نسبت به چخوف^۳ نویسنده شهیر

روس پنهان نکرده است ولی شخصیت رزانا مارا بیشتر بیاد داستان مادر اثر کورگی^۴ (احساس مسؤولیت شدید و علاقه‌اش به خانواده و فرزندان و دست بگریبان بودن با فقر و تنگدستی) و بعضی از قهرمانان شلمیخائوف^۵ می‌اندازد. همچنین در داستان ژرمینال^۶ اثر امیل زولا، لا ما هود^۷ تا حدودی رزانا را بخاطر می‌آورد ولی بطور قطع رزانا زنده‌تر و واقعی‌تر از قهرمانان زولا بنظر میرسد. چه بخوبی میتوان احساس کرد که همبستگی و دلسوزی عمیق بین نویسنده و قهرمانش وجود دارد که آنرا بفرانسه بالغت «سمپاتی»^۱ میتوان بیان کرد و این همان احساسی است که در نزد نویسندگان قرن نوزده روسیه هم دیده میشود که یک نوع گرمی عاطفی به قهرمانان خود می‌بخشند و این موضوع در ادبیات فرانسه کمتر احساس میشود. بدین دلیل میتوان اظهار نظر نمود که گابریل روآ بیشتر تحت تأثیر ادبیات روسیه و انگلیس قرار گرفته است.

از جهت تجزیه و تحلیل روانی، فلورانتین به پای رزانا نمیرسد معه‌ذا در بعضی از قسمتهای رومان شخصیت او بسیار گیرا و جذاب تشریح شده است ولی او را نمیتوان با قهرمانی چون سادام بوواری و آنا کارنینا^۲ مقایسه نمود چه افق زندگی وی بسیار محدودتر از شخصیت‌های مذکور میباشد از طرفی نویسنده نخواسته است که از او یک میت^۳ بسازد مانند اثر بالزاک^۱ بنام دختر عم و بت.

حال بجاست چند کلمه‌ای هم درباره قهرمانان مرد این داستان گفته شود. تحولات اقتصادی و اجتماعی تأثیر عمیقی در روحیه آزاریوس لا کاس^۲ (شوهر رزانا) داشته و او را از کار اصلی خود که مبل سازی بوده باز داشته و از هر کار و شغل دیگری مأیوس و دل‌سرد نموده است. این مسأله همان از بین رفتن صنایع کوچک دستی و بوجود آمدن کارخانه‌های بزرگ و طبقه کارگر و در نتیجه سندیکاها و تمام مسائل بزرگ کارگری که کلیه شهرهای بزرگ با آن مواجه هستند میباشد و شخصی چون آزاریوس که بخواهد استقلال شغلی و حرفه‌ئی خود را حفظ نموده به کار کردن در کارخانه تن در ندهد عاطل و باطل بوده و قادر به اداره نمودن

زندگی مالی خود نمیباشد از طرفی با داشتن هشت فرزند که در روستا خود کمکی است برای چرخاندن چرخهای زندگی ولی در شهر خانواده کم درآمدی را به فقر و تنگدستی بیشتری میکشاند خود باعث دلسردی او از زندگی میشود و تا حدودی باعث تصمیم او به ورود در ارتش شده تا با کمک جیره مخصوص داوطلبان جنگ ، افراد خانواده اش بتوانند از زندگی بهتری برخوردار گردند . بعد از رها کردن حرفه اصلی آزاریوس راننده تاکسی شده ولی باین کار هم علاقه چندانی نداشته در نتیجه کار خود را از روی بی میلی انجام می دهد و از درآمد مالی کافی برخوردار نمیشود . این باعث میشود که وی دارای دو شخصیت باشد : یکی فرد بیکاره در اجتماع و بیرون از خانه ، دیگری یک شوهر دلسوز که هیچگونه نقشی در برطرف کردن گرفتاریهای خانواده گی ندارد و در نتیجه بارسنگین مسؤولیت بعهدہ رزانا میباشد .

بعد از آزاریوس اکنون سخنی چند در باره ژان لوك لازم است گفته شود . او در کارخانه اسلحه سازی کار می کند و دارای درآمد مکفی میباشد . ضمناً در دوره شبانه به تحصیل خود ادامه میدهد تا به درجه مهندسی می رسد و در نتیجه دوران نکبت بار کودکی را بدست فراموشی سپرده مردی خود ساخته و ارد اجتماع می گردد . بنا بر عقیده خود نویسنده وجه اشتراکی بسیار بین ژان لوك و راستینا ک قهرمان بابا گوریو اثر بالزاک ویا بهتر بگوییم ژولین سورل قهرمان سرخ و سیاه اثر استاندال^۲ وجود دارد . ژان لوك قهرمانی است خود خواه و جاه طلب که از تمام مزیت های اجتماعی استفاده نموده بدون آنکه ذره ای از آزادی خود را برای قبول مسؤولیت های اجتماعی فدا کند او شخصی است که از نزاع بین کارگران و کارفرمایان به نفع خود استفاده فراوانی برده ، موقعیت اجتماعی خود را بر روی آن بنا میسازد .

بدلیل این خود خواهی ، ژان لوك جواب عشق فلوراننین را نداده بهیچوجه حاضر به ازدواج با او نمیشود . چه ازدواج با فلوراننین او را خواه و ناخواه به یاد دوران ناخوش آیند کودکی و بدبختی های آن دوران می اندازد . در نتیجه ، غریبه حقیقی در محله سن هائری ، ژان لوك است زیرا او یتیم بوده و با خانواده ای که او را بفرزندی

قبول کرده‌اند قطع رابطه مینمایند و همیشه در اطاقهای ارزان قیمت بطور موقت زندگی می‌کند. زیرا بهیچوجه خیال ندارد در این محله اقامت طولانی داشته باشد و ازدواج با فلورانتین او را به این محله و زندگی رنج‌آور آن پایبند مینماید.

امانوئل بعد از ژان لوک یکی دیگر از قهرمانان مرد این داستان است که از طبقه متوسط بوده و از زندگی نسبتاً سرفهی برخوردار است و برعکس ژان لوک باعلاقه شدید با فلورانتین و ازدواج با وی خود را پایبند محله سن هانری مینماید. او معترض به تشکیلات دنیائی است که هنوز جائی برای جنگ در آن وجود دارد و تصور میکند با رفتن به جبهه میتواند از جنگ آینده جلوگیری کند.

همانطور که بعضی عقیده دارند که خدا قهرمان اصلی نمایشنامه استرثر ژان راسین می‌باشد و معدن ذغال سنگ نیز نقش اساسی را در رومان ژرمینال اثر زولا ایفا میکند میتوان اظهار کرد که جنگ که خود بلائی برای بشر بشمار می‌آید، در این اثر خانم روآ نقش مهمی ایفا کرده و تا اندازه‌ای نجات دهنده قهرمانان بخت برگشته داستان میباشد. بغیر از امانوئل که برای ایده‌آل انسانی بجبهه جنگ می‌رود از اریوس و اوژن پسرش برای هدف بخشیدن به زندگی خود و تأمین احتیاجات مادی خانواده جبهه جنگ را انتخاب مینمایند. بنابراین جنگ در سرنسوست هر کدام نقش مهمی را بازی میکند حتی برای ژان لوک که در کارخانه اسلحه‌سازی کار میکند جنگ به زندگی مادی او رونق می‌بخشد و چون به گفته خود خانم روآ، امانوئل از جبهه جنگ بر نمی‌گردد پس در این صورت میتوان تصور کرد که در آینده فلورانتین زندگی مشترکی با مرد دیگری خواهد داشت.

باید اضافه نمود که در دوران جنگ دوم جهانی برعکس آنچه تصور میتوان کرد اوضاع اقتصادی و فرهنگی کبک رونق بسیار داشته ولی بعد از جنگ اوضاع اقتصادی کم و بیش برای مدتی متوقف مانده و اهالی محله سن هانری بهمان زندگی سخت قبل از جنگ خود باز می‌گردند.

وقتی یک رومان با ارزش است که نویسنده بتواند قهرمانان خود را چنان خلق کند که گوئی اشخاصی زنده هستند که خواننده را در سراسر رومان همراهی میکنند از طرفی روابط روحی قهرمانان با شرایط اجتماعی و اقتصادی دنیای خارج باید بنحو احسن تشریح شود و این دواصل رومان نویسی را خانم روآ کاملاً مراعات کرده و از عهده آن بخوبی برآمده است از آنجمله تشریح محلات مونرآل از دیدگاه قهرمانان میباشد. بعد از محله سن هائری که راجع به آن صحبت شد، میتوان از خیابان سنت - کاترین^۱ که مرکز شهرودارای مغازه‌های پر زرق و برق و اجناس چشم گیر میباشد و ضمناً محل تفریح مردم بوده نام برد که همیشه در رؤیاهای فلورانتین جلوه گرمیشود. دیگر محل اعیان نشینی و ست‌مانت^۲ است که آرزوی ژان لوك بوده که در آنجا در میان اشخاص متمول خانه‌ای برای خود دست و پا کند. از طرفی رستوران^۳ که فلورانتین در آن کار میکند محل و محیط مشتریان آن بطور ماهرانه توصیف شده است ضمناً شهر مونرآل در زمانی که روزآنا در جستجوی منزل از رانتری میباشد و در جای دیگر که به بیمارستان برای دیدن پسر کوچکش که در اثر بی‌غذائی رو بمرگ است میرود بسیار زنده و بطور هیجان‌انگیزی توصیف شده است و بالاخره رستوران خانم فیلی که هر چند بموضوع اصلی داستان چندان مربوط نمیشود یکی از قسمتهای بسیار مهم و ارزنده رومان میباشد. باوجود آنچه گفته شد، شهر مونرآل که بزرگترین شهر صنعتی کاناداست و حوادث داستان «خوشبختی واهی» در آن اتفاق میافتد آن اهمیتی را که این شهر در آثار ادبی کبک دارا میباشد، ندارد. زیرا خانم روآ بیشتر تکیه بر تجزیه و تحلیل نکات روانی قهرمانان خود نموده است. بطور کلی باید اضافه نمود که در آثار ادبی فرانسه زبان کانادا از شهر کبک پایتخت ناحیه کبک صحبت شده است و بیشتر توجه نویسندگان به شهر مونرآل بوده است.

حال جادارد چند کلمه‌ای درباره سبک نگارش خانم روآ گفته شود. بطور کلی میتوان گفت که سبک وی آمیخته‌ای است از گفتار عامیانه و نوشته

ادبی، چه قهرمانان وی یکی زبان توده مردم را صحبت کرده بخصوص «ارگو»^۱ ناحیه مونرال را بکار میبرند. اما موضوع قابل توجه در سبک نوشتن روآ جملات طولانی و بعضی اوقات پیچیده و حتی ثقیل را میتوان ذکر کرد که تا حدودی سبک بالزاک و زولا را بخاطر میآورد. بخصوص توصیف دقیق وی از اشیاء درون اطاقها که همان «دسکریپسیون انوانتر»^۲ میباشد سبک او را بیشتر به نویسندگان ذکر شده نزدیک میکند تا نویسندگان معاصر وی چون موریاک^۳ ویا موروا^۴. مضافاً اگر فرصتی پیش آید خانم روآ از طنز و شوخی روگردان نبوده و این مبین آنست که وی قبل از رومان نویسی در مطبوعات فعالیت داشته است.

بطور قطع این اثر با ارزش خانم گابریل روآ بدون ایراد نبوده و منقدین ادبی ایراداتی بر آن وارد دانسته اند.

از جمله ایراداتی که به این داستان گرفته میشود ضعیف بودن قهرمانان مرد داستان است که بهیچوجه با قهرمانان زن داستان برابری نداشته و خانم روآ از عهده تجزیه و تحلیل روانی آنها بخوبی بر نیامده است (باستثنای ازاریوس). میتوان اضافه نمود که قسمتهای توصیفی رومان بیش از حد طولانی است و باعث ملال خاطر خواننده میشود. چنانچه قسمتهائی خلاصه بیان میشد اثر عمیقتری در خواننده بجای گذاشت ولی از طرفی هم برای بوجود آوردن این محیط فقر و تنگدستی و بیچارگی مجبور بوده است که در توصیفهای خویش بطور مفصل قلمفرسائی کند چون نباید فراموش کرد که هدف خانم روآ بوجود آوردن یک نوع «ابسیسون»^۱ نسبت به فقر و بیچارگی بوده و این موضوع اساسی رومان مانند تم اصلی در یک سنفونی در سراسر داستان تکرار میشود و تمام تکنیک وی در این بوده است که این تم اصلی را با «واریاسیون های»^۲ مختلف بگوش خواننده برساند. از طرفی هم باید در نظر داشت که این داستان خانم روآ در سال ۱۹۴۰ نوشته شده و از جهت تکنیک رومان نویسی آنرا رومان «ترادیسینول»^۱ میتوان نامید نه تکنیک «نورومان»^۲ که بعد از سالهای ۱۹۰۰

در ادبیات فرانسه متداول شده است.

با وجود ایراداتی که گرفته شد «خوشبختی واهی» رومان باارزشی است که خواسته‌های خواننده را از یک رومان خوب کلاسیک کاملاً ارضاء میکند. خانم روآ موفق شده است یک قهرمان فراموش نشدنی بنام رزآنا خلق کند (که تنها وجود خود او برای ارزش بخشیدن بیک رومان کافی است) و او را در چهارچوبی قرار میدهد که ما را از شرایط اقتصادی و اجتماعی یک طبقه محروم در یک دوران و زمان معین بطور دقیق آگاه میسازد. توانائی خانم روآ چنان بوده است که مشکل میتوان روزآنا را در محیط دیگری مجسم کرد همانطور که مادام بوواری را نمیتوان از محیط یک شهر کوچک در فرانسه جدا دانست و قهرمانان معروف ادبیات روسیه قرن نوزدهم آبلومف اثر گانجاروف^۲ را خارج از محیطان دوران روسیه تصور نمود.

«خوشبختی واهی» افق جدیدی در تاریخ ادبیات کبک باز مینماید. و مرحله «اوربانیزاسیون»^۱ را در رومان کبک بوجود می‌آورد و از موضوعات مهم قرن نوزده ادبیات کبک کمتر صحبت میشود بدین معنی که از اهمیت خانواده پارواس^۲ و نقش زمین و طبیعت در رومان فرانسه زبان کانادا بسیار کاسته شده است. در نتیجه از قدرت خانواده و قدرت مذهبی کمتر صحبت میشود. کشیش دیگر نقش مهمی بر عهده ندارد و خانواده که در قدیم پناهگاهی بوده است دیگر در این زمان برای افراد آن قابل تحمل نمیشد و هر کدام از فرزندان می‌خواهند هر چه زودتر از قیود خانوادگی رهائی پیدا کنند.

بدلایلی که ذکر شد پس گزاف نیست اگر گفته شود که «خوشبختی واهی»

جزو آثار خوب و باارزش ادبیات جهان است.

حواشی

- ۱- Bonheur d'oeasrin, gabrielle Roy
۲- Saint-Boniface
۳- Manitoba
۴- Wcimipeg
۱- Montréal
۲- Fémina
۳- Marcel corbette
۴- Qvébee
۵- Alexandre chenevert
۶- Rue Deschambault
۱- Roger Lemelin
۲- Saint-Henri
۱- intrigue
۲- Rose-Anna, Florentine
۱- Azarius
۲- Eugène
۳- Jean lévesque
۱- Emmanuel
۲- Madame Bovary
۳- Tchékov
۴- Gorki
۵- Cheller-Mikhailor
۶- Germinal, emile zola
۷- La Maheude
۱- Sgmpathie
۲- Anna Korenina
۳- Mythe
۱- Balzac
۲- Lacase
۱- Rastignac, le père gorot
۲- Julien Sorel, Stendhal
۱- Esther, Jean Racine
۲- Westmont
۱- Sainte-Catherine
۲- Westmont
۱- Philibert
۲- Description inventaire
۱- Argot
۳- Mauriac
۴- Maurois
۱- Obsession
۲- Variations
۱- Traditonnel
۲- Nouveau roman
۳- Oblomov, Gantcharov
۱- Urbanisation
۲- Paroisse